

رادیوی روشن



دفع مقدس، زنان و دختران شهرم دزفول

مؤلف: کافیه آجیلی



فهرست نویسی پیش از انتشار کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

سرشناسه: آجیلی، کافیه، ۱۳۳۶ -

عنوان و نام پدیدآور: رادیوی روشن، دفاع مقدس، زنان و دختران شهرم دزفول
مؤلف کافیه آجیلی؛ ویراستار مریم سادات ذکریایی.

مشخصات نشر: تهران: نشر امینان، ۱۳۹۴.

مشخصات ظاهری: ۱۴۴ ص.

شابک: 978-600-6400-74-7

وضعیت فهرست نویسی: فیا

موضوع: آجیلی، کافیه، ۱۳۳۶ - - - - - خاطرات

موضوع: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی. نیروی مقاومت بسیج.
بسیج خواهران

موضوع: جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹-۱۳۶۷ - - - - - دزفول - - - - - خاطرات

موضوع: جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹-۱۳۶۷ - - - - - مشارکت زنان

شناسه افزوده: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی. قرارگاه سازندگی

خاتم الانبیاء (ص)، قرب نوح (ع)

رده بندی کنگره: ۱۶۲۹ DSR ۱۳۹۴ ۱۲۸۸۳/آ

رده بندی دیویی: ۹۵۵/۰۸۴۲۰۹۲

شماره کتابشناسی ملی: ۳۹۳۸۶۵۳

رادیوی روشن

(دفاع مقدس، زنان و دختران شهرم دزفول)

مؤلف: کافیه آجیلی

ناشر: نشر امینان

نوبت چاپ: اول، ۱۳۹۴

شمارگان: ۱۱۰۰ نسخه

طراح جلد: مجتبی قانونی

صفحه آرای: افسانه عطارود

شابک: ۷-۷۴-۶۴۰۰-۶۰۰-۹۷۸

قیمت: ۷۰۰۰ تومان

حق چاپ محفوظ است.

نشانی ناشر: خیابان انقلاب، خیابان دانشگاه، خیابان شهید
وحید نظری، پلاک ۶۵، طبقه سوم، واحد ۷ تلفن: ۶۶۴۰۶۷۶۰-۶۶۴۰۷۶۶۱

nashreaminan@gmail.com

فکس: ۶۶۴۹۷۰۲۴

فهرست مطالب:

مقدمه	۹
پیشگفتار	۱۱

فصل اول: تاریخچه‌ی تشکیل بسیج خواهران در فول

انگیزه‌ی من از تشکیل کانون بسیج خواهران	۱۷
شروع فعالیت بسیج خواهران	۱۹
شورای پنج نفری ستاد مرکزی بسیج خواهران	۲۰
شرایط انتخاب مسئولین حوزه‌ها	۲۱
شرایط ثبت نام خواهران در سطح شهر	۲۲
اسامی حوزه‌های بسیج خواهران و مسئولین آنها	۲۳
اسامی مربیان آموزش اسلحه	۲۴

۲۵	اسامی مربیان آموزش امداد و کمک‌های اولیه
۲۵	اسامی مدرسان کلاس‌های عقیدتی
۲۶	محتوا و برنامه‌ی کلی کلاس‌های نظامی، امداد و عقیدتی
۲۷	فعالیت‌های هنری شامل خیاطی، بافندگی، گل‌دوزی، سرود و تئاتر
۲۸	گروه سرود بسیج خواهران
۲۹	گروه تئاتر بسیج خواهران
۲۹	واحد خیاطی بسیج خواهران

فصل دوم: خدمات بسیج خواهران دزفول

۳۳	همکاری با کمیتهٔ امداد مینی(ره)
۳۵	همکاری با بنیاد شهید و امور ایثارگران دزفول
۳۶	همکاری با سپاه پاسداران
۳۷	همکاری مستمر با بسیج برادران
۳۹	همکاری با فرمانداری و تمام ادارات دزفول
۴۰	مهمانان بسیج خواهران
۴۵	همکاری با بیمارستان «افشار» و بیمارستان «یا زهر»
۴۶	همکاری با آموزش و پرورش دزفول
۴۷	دیگر فعالیت‌های بسیج خواهران در سطح شهر
۴۹	فعالیت‌های پدر شهید حسین ناجی
۴۹	انبار اسلحه بسیج برادران در بسیج خواهران

فصل سوم: خاطرات

- بیمارستان افشار ۵۳
- تشییع شهدای گمنام ۵۵
- سهمیه سنگ‌باران شبانه بسیج ۵۷
- ماجرای عکس شهید دکتر بهشتی و بنی‌صدر ۶۰
- ملاقات خانوادہ‌های شهدا با امام (ره) در حسینیه جماران (دی ماه ۵۹) و یادى از شهید ۶۲
- مادر شهید ع. ه. فعال (۱) - روف به مادر عیدی فعال ۶۵
- منزل بی‌بی (زنی سیده) - ما در منزل مانده بود ۶۶
- شست و شوی لباس زمان گان ۶۸
- منظره‌ی شهر ۷۰
- ترکش خوردن حکیمه رکاب‌ساز، - سر فعال بی بی ۷۱
- از راه آهن تهران تا میدان امام حسین (ع) ۷۳
- بوی لباس مادر و دلتنگ خانه ۷۶
- خبر کشف و استخراج نفت چاه‌های بیدبلند ۸۰
- شلیک با کلت، شلیک با ژ. ۳ ۸۲
- ازدواج ۸۹
- عروسی (شهیده) عصمت پور انوری ۹۲
- انفجار دفتر حزب جمهوری در تهران (۷ تیر سال ۱۳۶۰) ۹۷
- عصر موشک‌باران محله مسجد جامع (حمام مردانه و زنانه مسجد) ۱۰۱
- موشک‌باران خیابان مدرس ۱۰۳
- همکاری با آموزش و پرورش اندیمشک ۱۰۶

فصل چهارم: تحلیل

- ۱۱۱.....هدف دشمن از حمله موشکی و بمباران شهرها از جمله دزفول
- ۱۱۳.....ازدواج در شرایط جنگ
- ۱۱۵.....تهمت زدن به دخترها و خانم‌های بسیج
- ۱۱۹.....دعای یکی از خواهران بسیجی در شب عروسی خود
- ۱۲۱.....سایر

www.ketab.ir

مقدمه:

عرصه‌های باشکوه انقلاب اسلامی و دفاع مقدس همواره شاهد حضور و نقش‌آفرینی زنانی بوده است که عظمت زن مسلمان را به زیباترین شکل ممکن به تصویر کشیده‌اند.

حضرت امام خمینی (ره) در این راستا فرمودند: ملتی که بانوانش در میدان‌های جنگ با ابرقدرتها و در مواجهه با قوای شیطانی، قبل از مردها در این میدان حاضر شده‌اند، پیروز خواهد شد.

هشت سال دفاع مقدس، حماسه ماندگاری است با ابعاد گسترده و عظیم و سند افتخاری که بر پیشانی این مرز و بوم همواره می‌درخشد. طرح گسترده‌ی ثبت تمام زوایا و جوانب هشت سال دفاع مقدس بسیار وسیع است، اما این وسعت نتوانسته است خادمان و دلسوزان این عرصه را از کوچکترین رخدادهای این حماسه غافل کند. در این راستا باید به نقش بی‌بدیل زنان نیز اشاره کرد. زنان ایثارگر ایرانی، حماسه‌سازان گمنامی بودند که با حضور پررنگ و مؤثر خود در دوران هشت سال دفاع مقدس، شجاعت و دلاوری را به مردان و فرزندان خود آموختند. بسیاری از آنان با حضور در پشت جبهه‌ی نبرد و حتی گاهی در

خط مقدم، زینب‌وار، رسالت خود را به انجام رساندند. زنان حماسه‌سازی که دلاورانه در پاسداشت هویت زن، مقام مادر و جایگاه خانواده مجاهدت کردند و به یقین ثبت، ضبط و ترویج این حماسه‌آفرینی‌ها تلاشی مضاعف را می‌طلبد و زنانی که خستگی‌ناپذیر باشند تا بتوانند به بهترین شیوه، آن را نسل به نسل به آیندگان انتقال دهند. در راستای همین امر و تحقق فرامین مقام معظم رهبری بی‌برای ایجاد نهضت خاطره‌نگاری و ثبت خاطرات دفاع مقدس، سازمان نشر آثار و ارزش‌های مشارکت زنان در دفاع مقدس اقدام به جمع‌آوری خاطرات و جذب نویسندگان فعال در این عرصه نموده و از لایه‌لای معارف نهفته در هر خاطره، در تمامی راه‌نمایی و جهاد نورانی سلحشوران دفاع مقدس و زنان و دختران دلیر عرصه دفاع مقدس را به تصویر کشیده است.

این برگ سبز، بیشتر نگاه خود را معطوف به سیره‌ی شهدا و منش زندگی شیرزنان عرصه‌ی جهاد و شهادت نموده است با این امید که در روندی دراز مدت بتوانیم حداقل آثاری ماندگار در مسیر شناخت شیرزنان و دلیرمردان عرصه دفاع مقدس به دست آوریم.

در پایان لازم است از زحمات آقای روح‌الله و روزی؛ ناظر چاپ، خانم دکتر شادی و خانم یوشی که در این مسیر، صمیمانه بی‌دریغ ما را همراهی نموده‌اند، تشکر و قدردانی نماییم.

پروین مؤمن زحمت‌کش

مدیر ادبیات و هنرهای نمایشی

سازمان نشر آثار و ارزش‌های مشارکت زنان در دفاع مقدس

و مشاور عالی فرماندهی در نیروی دریایی سپاه پاسداران

پیشگفتار:

باید گفت در دزفول برای مقابله با تجاوز عراق و جنگ تحمیلی، بین زن و مرد هیچ فرقی نبوده است. اگر مردان، پسرهای جوان و پدرها و پدربزرگها در جبهه‌های نبرد که خارج از شهر دزفول بود، شجاعانه و عاشقانه می‌جنگیدند، شهر دزفول خود جبهه‌ای دیگری بود با شرایط ویژه که خاک‌ریزها و سنگ‌رهایش خانه‌های مردم و زیرزمین‌ها بوده و مقر فرماندهی‌اش برای خواهران، حوزه‌ی مرکزی بسیج خواهران دزفول. ستادهای فرعی آن نیز حوزه‌های بسیج خواهران در سطح شهر بودند که اکثراً در حسینیه‌ها و مساجد قرار داشت.

در جبهه‌ی دزفول به جرأت می‌توان گفت زن‌ها برای دفاع از شهر و نگهداری با شرایط ابتدای جنگ، دست به دست هم داده و با اراده‌ای فولادین دست به کارهایی زدند که در طول تاریخ دزفول بی‌نظیر و

بی‌بدیل بوده است. از جمله اینکه می‌دانستند باید خودشان از کیان، شهر، زندگی، همسر و فرزندشان دفاع کنند. آن هم دفاعی که شامل آموزش‌های نظامی، تاکتیکی، رزمی، ایدئولوژی، فرهنگی و حتی آشپزی و پخت نان برای جبهه‌ها و شستشوی لباس‌های رزمندگان بود.

دخترها و زنان دزفول با روحیه‌ای بالا و مقاوم باید نشان می‌دادند که از دشمن تا دندان مسلح و آядی استکبار و دُول پشتیبان او هیچ ترس و واهمه‌ای ندارند. این ایده نشأت گرفته از ایمان والا به خداوند متعال بود و اعتقاد راسخ به دین مبین اسلام و پیروی از رهبری خردمندانه‌ی امام خمینی(ره). اعتقاد به اینکه حق پیروز است، با استعانت و یاری طلبیدن از خداوند متعال تا در این راه شکست قدم بمانند و لغزشی نداشته باشند.

دخترها و زنان دزفول در آغاز جنگ تحمیلی عراق و در سال‌های دفاع مقدس بهانه‌های زیادی داشتند که شهر را ترک کنند تا از آتش جنگ، موشک‌ها، توپ‌های دوربرد، بمباران‌ها و خمسه‌ها به دور باشند، ولی ماندند و مبارزه کردند. وقتی مکان زندگی‌شان در چاه‌شان و محله‌شان که در آن خانه داشتند، نه یک بار بلکه چندین بار بمباران، خراب شد؛ وقتی که می‌خواستند در آشپزخانه برای فرزندانشان غذایی طبخ کنند؛ وقتی می‌خواستند فرزند خردسالشان را به حمام ببرند؛ وقتی می‌خواستند فرزند شیرخوارشان را در بغل بگیرند و شیر دهند، همه و همه در تیر رس توپ‌ها و موشک‌های هر روز دشمن بود. وقتی برای تأمین مواد خوراکی به زحمت می‌افتادند، وقتی روزها و شب‌ها در قعر زمین (شَواوَن) با چادر و مقنعه سر بر بالین می‌گذاشتند، چه حالی داشتند؟ در آن اوضاع و احوال مقاومت

می‌کردند و پشتیبان همسر، برادر و پدرشان بودند که در جبهه‌های نبرد با دشمن می‌جنگیدند.

باید بگویم در اینجا قلمم قاصر از بیان این رویدادهای ناگفتنی است. تنها اکتفا می‌کنم به این جمله:

آفرین بر دخترهای شجاع و شیر زنان دفاع مقدس شهر دزفول و آفرین بر مقاومت آنان.

کافیه آجیلی

من کافیه آجیلی سال ۱۳۳۶، در شهرستان دزفول و در یک خانواده‌ی پرجمعیت و متدین به دنیا آمدم. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در مدرسه‌ی یزانجی دزفول گذراندم و در کنکور سال ۱۳۵۷ در دوره‌ی کاردانی، رشته‌ی اقتصاد، مدرک کارشناسی بهداشت دانشگاه شهید چمران اهواز قبول شدم. دانشجوی ورودی بهمن ۱۳۵۷ و همزمان با پیروزی انقلاب اسلامی بودم. آن زمان نتوانستم وارد دانشگاه بشوم. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی مشغول تحصیل شدم. یک سال و نیم بعد برنامه‌ی انقلاب فرهنگی در دانشگاه‌ها به اجرا درآمد که منجر به تعطیل شدن تمام دانشگاه‌ها در سراسر ایران شد. بعد از آن جنگ تحمیلی عراق علیه ایران شروع شد و من مشغول فعالیت در بسیج خواهران دزفول شدم. در طول تعطیلی دانشگاه‌ها، در بسیج خواهران دزفول فعالیت می‌کردم. پس از ازدواج و بازگشایی دانشگاه‌ها، ادامه‌ی تحصیل دادم. سپس در آموزش و پرورش دزفول مشغول خدمت شدم. ضمن خدمت در آموزش و پرورش به تحصیل ادامه دادم و با مدرک کارشناسی، رشته‌ی بهداشت عمومی در سال ۱۳۷۶ از دانشگاه شهید بهشتی تهران فارغ‌التحصیل شدم.